نگاه

تیشه به ریشه

محمد خرسند

در پیش گرفتن برخی روش‌ها که در ادبیات سیاسی امروز به «فاشگرای» مرسوم شده است، اگر بدون توجه به مقتضیات زمان و رعایت محدودهای قانونی، تداوم یابد، با آنچه بر مبنای اخلاق و دین به دنبال آن هستیم، فاصله محسوسی خواهد یافت.

این روش حتی در نظام‌های سیاسی غربدنبی کمتر دیده می‌شود و سازوکارهایی تعبیه شده تا مانع از نسبت دادن مطالب خلاف‌واقع به افراد، مقامات یا نامزدهای رقیب در رقابت‌های انتخاباتی شود. اگر سیاست از چیزی باشد که امروز متداول شده و برخی افراد که با عبارت دارای سمت‌های رسمی نیز هستند دلیلی نمی‌بینند عملکرد و اظهاراتشان، رنگ و بویی از اخلاق و پایبندی به آن داشته باشد، باید به شدت نگران شد.

اینکه برخی افراد با جریان‌ها بخواهند به هر قیمتی در قدرت بمانند، نتیجه این خواهد شد که اصل رفتار سیاسی سالم، هدف قرار می‌گیرد. این روش‌ها علاوه بر اینکه به جنگ زمین به قدرت تغییر و سیب می‌شود این روش تابیدند ترویج شود، مسایل جانبی نیز خواهد داشت. جامعه ممکن است به این نتیجه برسد که شایعه‌هایی که قبلا وجود داشت، اساسا مطرح نیست و اصل داشتن قدرت است که همه مسایل را احتساب‌ناشدنی قرار داده یعنی حتی اگر برخی عملکردها صحت هم داشته باشد، وقتی به شکل بی‌حاصل تکرار شود و مردم با مشاهده عمل نشدن به وعده‌های مبارزه با فساد، با آدرس‌های نادرست مواجه شوند، آسیب‌های بعدی نیز خود را نشان می‌دهد.

در عین حال باید تاکید داشت که این نگاهی نیست که انقلاب بر اساس آن شکل گرفت. در دوران مبارزه، یکی از تاکیدات اکثر گروه‌هایی که به دنبال استقرار نظامی متفاوت از نظام پهلوی بودند، این بود که هدف، وسیله را توجیه نمی‌کند؛ اینکه به هر روشی نمی‌توان به نتیجه رسید و باید پایه حرکت‌های سیاسی، اخلاق و آگاهی‌رسانی به جامعه باشد. امام(ره) نیز بر این باور بودند که باید قلب‌های مردم را به حرکت سیاسی و اسلامی همراه کرد و بر این اساس، روش‌های مذموم نمی‌تواند قابل‌پذیرش باشد. اخلاق و فضایل اخلاقی در دیدگاه انقلاب، محور اصلی حرکت بود و قرار بود در حکومت و جامعه نیز نسری یابد.

مناسفانه این روزها به میرانی که از این محور فاصله گرفته‌ایم تعریف ما از سیاست هم تغییر کرده است.

اگر یک مسوول با ادعای آینده‌نگری، عواطف عمومی را جریحه‌دار کند و با این توجیه که رقیب را به هر قیمتی می‌توان حذف کرد، موضوعاتی را به

او نسبت دهد که رنگی از واقعیت ندارد؛ از نظر ما قابل‌قبول نیست. ما به دنبال حاکم شدن عکس این دیدگاه هستیم؛ اینکه اگر فردی، رقیب فرد دیگری است، بنابراین از حق و حقوقی نیمه و برخوردار است و اگر من نوعی در حق او حتی در یک رقابت سیاسی اجحاف کنم، او آن به زندگی خودم هم بازمی‌گردد و امکان ندارد از این مسایل بتوان به سلامت عبور کرد. معادلات دنیا این‌طور نیست و این اعتقاد وجود دارد که اگر دروغی گفته شود باید فرد مرتکب‌شده، جوابگو باشد.

به همین دلیل است که برخی علما و فعالان سیاسی باتجربه، این بداخلاقی‌ها را نوعی بدخت‌گذاری می‌دانند. در حالی که دیری از دوره پرهیز از دادن نسبت نارواه به افراد در منظر عمومی بدون اثبات آن و اجتناب از گناهی مانند رد ریشه در مقابله با مرد، متاسفانه در سال‌های اخیر آن‌قدر مردم ما در عالم سیاست، بداخلاقی دیدند که دیرتر اعتماد می‌کنند. با این حساب می‌توان گفت دروغگویی و بداخلاقی سیاسی نه تنها می‌تواند مشکلاتی را برای جامعه ایجاد کند بلکه در بی‌اعتمادی آنان به مجموعه مدیریت هم نقش مستقیم دارد وقتی ما شاهد تبعه‌نما و نوعی‌بازی هستیم که دور از انصاف است، مردم دیرتر از قضاوت می‌کنند و می‌فهمند عمده این تهمت‌ها متاثر از رعایت نکردن اخلاق است. برای رقبای سیاسی بسیار نابسته است چنین رفتاری در پیش بگیرند. در حالی که اگر ما میانه حوی با حقیقت داشته باشیم و امید را با حقیقت و فرداید پیوند بزنیم نتیجه بسیار مثبتی خواهد داشت و امید مردم را نسبت به توسعه کشور و نظام بیشتر خواهد کرد. در مقابل این گونه اعمال نابرست، نباید سکوت کرد برخی تصور می‌کنند باید مردم را به سکوت دعوت کنند در حالی که سکوت با نامیدی و نشان دادن اعتراض و امر به معروف با امید پیوند می‌خورد. آنچه امروز به عنوان افشاگری شاهد آن هستیم در واقع تیشه زدن به ریشه هنجارها و ارزش‌های ماست. پس نباید مردم را درگیر این گونه مسایل کرد. هرچند معتقدم مردم ما آگاه هستند و بخوبی این گونه روش‌های سیاسی نایسند را تجزیه و تحلیل می‌کنند؛ به همین دلیل است که امروز عرق افشاگری‌ها و بگیر‌وببندها بی‌ارزش شده‌اند.

عضو شورای مرکزی حزب موتلفه اسلامی

ادامه از صفحه ۷

زوال حربه افشاگری

این روزها اما روی برگشته و چهره‌های همفکر و هم‌جناح رییس دولت، افشاگری‌های تازه او در فضای کشور را التهاب‌آفرینی تلقی می‌دهند. این روش‌ها اما به تازگی، در دستور کار نبوده اما گویا خاذق، مفهومی است یافته است که بر اساس مقتضیات فضای سیاسی، تقسیم‌بندی می‌شود.

آخر خط

این روزها که سفرهای استانی در آخرین روزها در حال انجام است و همان اسلوگرایان آن را ـ سرقی با مقاصد دیگر ارزیابی می‌کنند، آن‌را‌م این شیوه نیز به روشنی کاملا بدون حساسیت بدل می‌شود چه اینکه به قول صادق زیباکلام «ما قـد ریشه‌کن شده تو سوءاستفاده از بیت‌المال متوقف شد و نه اختلاس سه‌هزارمیلیاردتومانی اتفاق نیفتاد، نه رانت‌خواری و بیزه‌خواری تعطیل شد، نه شکاف طبقاتی کاهش یافت و نه چتر حمایتی چندان بر سر محرومان و اقشار کم‌درآمد سایه‌گستر شد و بالاخره باید به وضعیت شخصی هاشمی‌فسنجانی اشاره داشت. بسیاری از ۱۷میلیون نفری که نسبت به هاشمی‌فسنجانی چیزا تردید شده بودند و تبلیغات هاشمی‌فسنجانی که «اجازه ایشان باید گرفته بودند» به تدریج قبل از این هشت سال متوجه شدند که نه اجحه‌ایزاری و جعبه پایداری آن‌طور که تبلیغات می‌کردند، چیزی نیست و اگر قرار بود کسی در کشور هست و به مقتدا و مقابل‌هاشمی‌فسنجانی آن سیاهی و ظلمتی است که جبهه پایداری‌ها سعی کرده بودند در انتخابات سال ۹۴ از وی بسازنده که ساخت‌ها باید درباره هشتسالی به موضع توضیح داشته باشد که گزارش‌ها از عملکرد آن حتی در همین بخش‌هایی که رییس دولت به عنوان «فاشگری» به دیگران نسبت داده، با علامت سوال جدی مواجه است.

گفت‌وگوی «شرق» با محسن هاشمی:

چیزی نبوده که بخواهند افشا کنند

عکس‌ها: آیدین زرین‌هنر، شرق

جواد مرشدی

اصولگرایانی که احمدی‌نژاد را آوردند الان دچار همان مشکلی شده‌اند که ایشان برای دیگران به‌وجود آورد.

چند سالی است که شبهات و شایعات بسیاری در اطراف برخی مدیران نظام و خانواده‌هایشان شکل داده شده که بعضا باعث تشویش اذهان عمومی شده است. ادبیات رایج‌شده در شأن مقامات جمهوری‌اسلامی ایران نبوده و نمی‌توان به بهانه از جنس مردم بودن ادبیاتی عامه‌پسند و کوچه‌بازاری را جایگزین ادبیات به‌کار رفته در تاریخ سیاسی ایران‌زمین کرد. مسلما با این نوع ادبیات نمی‌توان به ترویج و حفظ ارزش‌ها پرداخت و این شیوه اگر منع نشود و رواج یابد، توروخشک را با هم خواهد سوزاند و اصولگرا و چپ و راست نمی‌شناسد.

در گفت‌وگویی کوتاه با محسن هاشمی، علت ریشه‌ها و پیامدهای رواج این نوع گفتمان را مورد بررسی قرار دادیم که در پی می‌آید.

آقای احمدی‌نژاد در سال‌های اخیر یکسری حرف‌هایی را تحت‌عنوان افشاگری به‌برخی از مقامات و شخصیت‌ها نسبت دادند که برخی معتقدند در مواردی، باعث تشویش اذهان عمومی شده است، علت اتخاذ چنین رویکردی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من اسمم این کار را افشاگری نمی‌گذارم و اصلا چیزی نبوده که ایشان بخواهد افشا کند؛ این تهمت‌زنی است. بینید مسوولان جمهوری‌اسلامی به چند نوع تقسیم می‌شوند: مسوولان رداول کسانی هستند که سال‌ها قبل از انقلاب و در مبارزات انقلابی فعال بوده و در تاسیس جمهوری‌اسلامی و مباحث اولیه انقلاب حضور داشتند و باعث تثبیت انقلاب‌اسلامی شدند، این افراد با بقیه فرق دارند و باید از آنها یا عنوان استوانه‌های انقلاب یاد کرد؛ یعنی بعضی‌ها هستند که مشق نوشته‌اند و بعضی‌ها هستند که مشق ننوشته‌اند.

در نتیجه وقتی که می‌خواهیم در مورد استوانه‌های انقلاب و کسی که مشق نوشته صحبت کنیم، باید از زاویه‌ای ورود و با روش‌هایی به موضوع نگاه کنیم که جنبه تحقیقی داشته باشد نه جنبه افشاگری. افشاگری وقتی است که مردم از موضوعی بیهقی مطلع نیستند و شما با طرح آن اطلاع‌رسانی می‌کنید ولی در آنهام این‌طور نیست. باید دید فردی که فرد دیگری را متهم می‌کند در مقامی هست که بتوان پاسخش را داد. آنهامزدن شجاعت نیست چه‌بسا به کسی صمونیت بدهند و بگویند آقا هرچه دلت می‌خواهد بگو و کاری هم با شما نداریم و بعد ایشان هرچه خواست بگوید و همه بگویند ایشان افشاگری کرد. نه این افشاگری نیست و اصولا خوب نیست که برای فردی محیطی امن ایجاد کنند و او هم هرچه می‌خواهد بگوید.

خب حالا به‌نظر شما جامعه ما این پتانسیل را داشته که کسی با طرح این مباحث پیشروف کند؟

اینها شایعه است و قابل اثبات نیست، نتیجه‌اش این است که بعد از چهارسال حضور، فقط با اندکی برخورد انتقادی پدر و ما به مسایل کشور، این شایعات پاک می‌شود؛ یعنی وقتی منتقد برخی مسایل موجود در کشور می‌شوید، می‌بینید این شایعات پاک می‌شود

بهروز شجاعی

آقای احمدی‌نژاد در همان سال ۸۴ که تبلیغات انتخاباتی خود را شروع کرد صحبت از برخی ناگفته‌ها از مفاسد اقتصادی کرده و تاکید داشت که اسامی را در موقع خودش خواهد گفت. اینکه فهرست ۳۰۰ نفره با مافیاهایی در زمینه فساد وجود دارد یکی از دلایلی که بخشی از بایگاه رای وی را شکل داد این بود که شاید از نظر مردم بالاخره یکی پیدا شد که می‌خواهد یکسری حقایق را بگوید. در هشت سال گذشته آقای احمدی‌نژاد به جز دو سه مورد، خیلی چیز خاصی نگفت و الان دوباره نازدیکی انتخابات، ایشان وعده می‌دهد که یکسری حرف‌ها را خواهد زد یا می‌خواهد بزند و نمی‌گذارند. آیا اساسا حرفی وجود داشته و اگر داشته چرا این‌طور است؟

همان‌طوری که گفتید یکی از مطالبات مهم مردم از آقای احمدی‌نژاد، افشای مفاسد اقتصادی بوده است. مردم با همین باور به آقای احمدی‌نژاد رای دادند که ایشان تلاش کرد جامعه را به سمت آرمان عدالت پیش ببرد. شعار محوری ایشان هم همین بود. عدالت‌ایشان البته برای حرکت به سمت عدالت تلاش‌های گوناگونی باید صورت می‌گرفت. آقای احمدی‌نژاد هم از آغاز کوشید با شیوه‌های گوناگون به سمت عدالت حرکت کند. کانال‌های خروج نابرست روز از بیت‌المال را مسدود کند و یکوشد کانال‌های صحیح روز با به روی مردم باز کند. اگر بیت‌المال نزول عمومی است، باید این کانال‌ها رو به مردم گشوده شی‌شود، تلاش‌های گوناگونی برای نزدیک شدن به این اهداف انجام شد. کاهش سود بانکی یکی از شیوه‌های مسدود کردن خروج نابرست روز بود، هدفمندی یارانه‌ها یکی از شیوه‌های گشودن صحیح برای سرازیر شدن پول بر روی مردم بود.

اما آنچه شما گفتید درست است، یکی از روش‌های مسدوداساختن کانال‌های خروج نادرست پول افشای مفاسد و مفسدان است.

تلاش آقای احمدی‌نژاد از آغاز این بود که درست است. همچنان که این وعده را به مردم داد که برای مبارزه با فساد و با این زمینه تلاش جدی خواهد شد. در مبارزه وعده آقای احمدی‌نژاد و گفتن برخی از این مفاسد، نکاتی را می‌خواهم عرض کنم در همان سال‌های نخست دولت، نهم ایشان فهرستی را اعلام کرد تا حتی برای مردم در سال‌ها فراوانت کند اما با استدعای برخی برای افشا نکردن روبه‌رو شد. این استدعا طبیعتا کار را به یک معما به داوری می‌کشاند که آیا این اسامی افشا نشود یا نشود؟ منتها آن قوای که تقاضا کرد که آقای احمدی‌نژاد این نام‌ها را برای مردم افشا نکند دلیل داشت و دلیلش این بود که تا زمانی در محاکم قضایی قانع نشده نباید نامی اعلام شود.

آیا این دلیل، دلیل غیرمنطقی نباشد و درست باشد که تا جرمی ثابت نشده، اعلام آن ممکن است موجب حمله آبروی افراد شده و بعدا معلوم شود که فرد مجرم نبوده است. همچنان که امکان دارد جرم فرد بعدا ثابت شود و معلوم شود این اعلام نام، به حق بوده و ایرادی بر آن وارد نبوده است

خیر، من دولت نهم را عرض می‌کنم چون در دولت دهم هم با آنکه مقامات قضایی یک یا دوباره اعلام کردند چیزی به ما نرسیده اما در سایت رسمی دولت و بعد هم در شبکه‌های گوناگون مجازی، نامه رییس‌جمهور جمهوری با تاریخ و مهر مستند شد که تقاضای رسیدگی به اتهامات نمی‌کند که به پیوست است را داشتند البته بدون آن پیوست که نمی‌کند و آن بود.

خب می‌خواهم بگویم این فهرست‌ها در نوبت‌هایی به قوه‌قضاییه داده شده است. طبیعتا قوه‌قضاییه چه در دوران دولت نهم و چه در دولت دهم باید به این امار رسیدگی می‌کرد. من الان نمی‌خواهم داوری کنم که قوه‌قضاییه در این دو دوره چه اندازه رسیدگی کرده است. آنچه که از آقای احمدی‌نژاد مطالبه شد، سیر قانونی و بعد نوعی‌های دشوار را طی کرد اما آن توقعی که مردم از رسیدگی به جرم و اثبات و نفی آن دارند، هنوز موجود است یعنی مردم احساس نمی‌کنند که این توقع برآورده شده و مردم مطالبه اعلام و افشای مفسدان و مفاسد را از همان فرد نخست بعنی آقای احمدی‌نژاد دارند. درحالی که این سیر طی شده و باید در انتظار سیر تحقیقات قضایی بود. یکبار آقای احمدی‌نژاد آن هم به عنوان بررسی، موضوعی را در مجلس مطرح کرد که همان بلوای اخیر ارتقاد از این برخی نکات قبل از انبات جرم، مطرح شد. مطالبه مدارک که آقای احمدی‌نژاد ارایه کرد مدارک کافیای بود. حداقل می‌توان گفت برای قطعی شدن جرم یا لااقل بخشی از آن، تصویر و صوتی که در آن فیلم‌نشان داده شد که نوعی ارتشا در حال انجام بود، کفایت می‌کند. درست است که این پرونده به محکمه‌های داده نشده و جرمی اثبات نشده، ولی پیش از این نام این فرد به قوه‌قضاییه داده شده است.

یعنی آن اسم جزو همان فهرستی بود که شما اشاره کردید؟

بله، اسم ایشان قبلا در فهرست پیوستی که اشاره کردم بود ولی‌کن هنوز حکمی در این رابطه داده نشده است.

شاید این دلیل، دلیل غیرمنطقی نباشد و درست باشد که تا جرمی ثابت نشده، اعلام آن ممکن است موجب حمله آبروی افراد شده و بعدا معلوم شود که فرد مجرم نبوده است. همچنان که امکان دارد جرم فرد بعدا ثابت شود و معلوم شود این اعلام نام، به حق بوده و هیچ برادری بر آن وارد نبوده است

همان فهرست ۳۰۰ نفره؟

خیر، من دولت نهم را عرض می‌کنم چون در دولت دهم هم با آنکه مقامات قضایی یک یا دوباره اعلام کردند چیزی به ما نرسیده اما در سایت رسمی دولت و بعد هم در شبکه‌های گوناگون مجازی، نامه رییس‌جمهور جمهوری با تاریخ و مهر مستند شد که تقاضای رسیدگی به اتهامات نمی‌کند که به پیوست است را داشتند البته بدون آن پیوست که نمی‌کند و آن بود.

خب می‌خواهم بگویم این فهرست‌ها در نوبت‌هایی به قوه‌قضاییه داده شده است. طبیعتا قوه‌قضاییه چه در دوران دولت نهم و چه در دولت دهم باید به این امار رسیدگی می‌کرد. من الان نمی‌خواهم داوری کنم که قوه‌قضاییه در این دو دوره چه اندازه رسیدگی کرده است. آنچه که از آقای احمدی‌نژاد مطالبه شد، سیر قانونی و بعد نوعی‌های دشوار را طی کرد اما آن توقعی که مردم از رسیدگی به جرم و اثبات و نفی آن دارند، هنوز موجود است یعنی مردم احساس نمی‌کنند که این توقع برآورده شده و مردم مطالبه اعلام و افشای مفسدان و مفاسد را از همان فرد نخست بعنی آقای احمدی‌نژاد دارند. درحالی که این سیر طی شده و باید در انتظار سیر تحقیقات قضایی بود. یکبار آقای احمدی‌نژاد آن هم به عنوان بررسی، موضوعی را در مجلس مطرح کرد که همان بلوای اخیر ارتقاد از این برخی نکات قبل از اثبات جرم، مطرح شد. مطالبه مدارک که آقای احمدی‌نژاد ارایه کرد مدارک کافیای بود. حداقل می‌توان گفت برای قطعی شدن جرم یا لااقل بخشی از آن، تصویر و صوتی که در آن فیلم‌نشان داده شد که نوعی ارتشا در حال انجام بود، کفایت می‌کند. درست است که این پرونده به محکمه‌های داده نشده و جرمی اثبات نشده، ولی پیش از این نام این فرد به قوه‌قضاییه داده شده است.

یعنی آن اسم جزو همان فهرستی بود که شما اشاره کردید؟

بله، اسم ایشان قبلا در فهرست پیوستی که اشاره کردم بود ولی‌کن هنوز حکمی در این رابطه داده نشده است.

من یک مثال نقلی بگویم برای سحبت‌های شما می‌آورم و آن منافرهای انتخاباتی سال ۸۴ که آقای احمدی‌نژاد مشخصا از چند نفر در این منافره‌ها اسم آورد و آنها را متهم به فساد مالی کرد.

یک خب است گفتید. آقای احمدی‌نژاد یکبار در اول، یکبار در وسط و یکبار در آخر دولت نهم نام فردی را برد و هر سه‌بار هم با منع جدی روبه‌رو شد. منلا نسبت به مساله فرزندان آقای هاشمی. تحلیلگران می‌گویند یکی از علل افزایش رای آقای احمدی‌نژاد همین سخن بود چون تلویزیو شکست؛ چه تلویزیو؟ مردم در بین خودشان در تاکسی و اتوبوس و این‌رو و اون‌رو پیوسته از خانواده آقای هاشمی می‌گفتند اما هیچ مسوولی تا آن روز که آقای احمدی‌نژاد گفت، از این مطلب چیزی نگفته بود و حالی که می‌دانستیم و شنیده بودیم.

این گفته‌ها تنها در هشت بود؟ حداقل برای خود شما؟

(کمی مکث) بله مثلا (خنده) من دیده بودم من دیگر بیشتر می‌دیده بودم، حالا فرزندان ایشان را کنار بهتر، کلا از همین قبیل مفاسد را دیدم، بله دیدم اما نام نمی‌برم که کجا دیدم و از چه کسانی دیدم اما می‌دانم این مطالب را من شخصا از چه کسانی دیدم اما این موضوع را گفتن بر آقای هاشمی گذاشته شد. تلویزی شکست، گویی مردم حرف دلشان را می‌زدند. مسوولی برای اولین بار زد.

چرا در آستانه انتخابات؟

برلساس اتهام فردی که در مجموعه یک روز قرار داده می‌خواهید درباره یک زیرو داوری کنید و به این موضوع نتیجه اتفاق داشت. به حر حال این مساله پاسخ چهره دیگر دارد که باید قبل بررسی است. استیخاص‌کنندگان در مقام پاسخ گفتند. مقوله‌ای دیگر هم درباره آقای مرتضوی وجود دارد، یعنی آنچه که موجب شد مرتضوی خارج از عرض آقای مرتضوی وجود داشت بعدت بود، یکهویک نیست، بلکه بحث مالی است که از ایشان در تامین اجتماعی که حاصب اموال بسیاری است خواسته شده است. پس از انتشار آن فیلم در کمیسیون محلس، با آقای مطرح‌زاده برخوردی صورت گرفت و گفتند چرا موضوعی که ثابت نشده مطرح شده است؟ درحالی که همین مساله درباره مرتضوی هم مطرح بود. خوب چرم ایشان هم هنوز ثابت نشده اما بر آن اساس، وزیری که خود مجلس می‌گفت برکار است را عزل کردند. دوباره آن تذکر به آقای احمدی‌نژاد شد چرم ایشان و بقیه آن ایشان چرم اسمی را مطرح نکنید. بنابراین شما نباید این پرسش را مطرح کنید که چرا آقای احمدی‌نژاد فهرستی را افشا و قرائت نمی‌کند؟ ایشان این فهرست را از همت سال پیش تهیه کرد و هر بار که خواست قرائت کند، مانع شدند اما چه زمانی می‌خواهد به این اتهامات رسیدگی شود تا معلوم شود که چه کسی مجرم است و چه کسی مجرم نیست؟ این باید مطالبه مردم شود. آقای احمدی‌نژاد گاهی پرده را بالا زده و چیزهایی را نشان داده و گفته است، مثلا درباره عزل وزیر خارجاتش گفت که چرا وزیر خارجه باید به مسافرهای بی‌رویه خارجی بدون هیچ علت منطقی و نادرست بود. البته این نکات را درجسته حاسیاتش گفت که بعدا در بیرون هم منتشر شد. ما باید این را بدانیم که چرا کسی توقع داریم؟ یقین داشته باشیم که اسوها و اسیال مختلفی برای گفتن وجود دارد و این را هم می‌دانیم که خود همین موقوع عامل مهمی در معادلات سیاسی بود است اما آقای احمدی‌نژاد به همان دلیل که گفتم از گفتن موضوعات منع شده و این منع را در آخر دولت دوباره مشاهده نمی‌کنیم.

همین مساله در انتهای ریاست‌جمهوری‌شان درصدد بودند سیاستی با روش اعتدالی و بدون افراط‌وتفریط را در کشور حاکم کنند تا دولت‌های بعدی و کسانی که قدرت را در اختیار دارند خارج از مسایل افراط‌وتفریطی عمل کنند و از آنجا که فراجناحی هم فکر می‌کردند هر وقت می‌فهمیدند یک گروهی برای بدست‌آوردن قدرت به‌مسمت عملکرد افراطی حرکت می‌کنند ایشان به‌عنوان یک وزنه تعادل، خودشان را ملزم‌در می‌کشیدند تا این گروه احساس قدرت بیش‌ازحد نکنند و یک مقدار خودش را محدودتر فرض کند. بنابراین

محمود احمدی‌نژاد از ابتدای تبلیغات ریاست‌جمهوری‌اش در سال ۸۴، از وجود مافیا و مفسدانی سخن گفته و می‌گوید که او می‌خواهد ماهیت آنها را افشا کند. هر از گاهی تلاش می‌کند تا با دادن کدهایی به مردم آنها را به این باور برساند که او می‌خواهد افشا کند. اما دیگران نمی‌گذارند. حجت‌الاسلام بهمن شریف‌زاده، از روحانیان نزدیک به اسفندیار رحیم مشایی و مدیرمسوول روزنامه الوفاق و عضو موسسه ایران است. وی در گفت‌وگو با «شرق» به دفاع از روش محمود احمدی‌نژاد می‌پردازد و می‌گوید از همان ابتدای دولت، احمدی‌نژاد قصد افشای این مفسدان را داشت که با «استدعای» برخی از اعلام عمومی این مفسدان منصرف شد. البته مدیر گروه مطالعات دینی مرکز ملی جهانی شدن، اعلام برخی از موارد که احمدی‌نژاد مدعی شده بود این افراد مفسد اقتصادی هستند را به نوعی از سرتاچاری و به دنبال تعلل سایر قوا در رسیدگی به پرونده این فسادها می‌داند. شریف‌زاده همچنین به دفاع از پافشاری احمدی‌نژاد بر جلوگیری از بازداشت معاون اول رییس‌جمهور در جریان رسیدگی به برخی اتهامات اقتصادی می‌پردازد و بر پاکی حلقه اطراف احمدی‌نژاد و مشایی تاکید می‌کند. او می‌گوید احمدی‌نژاد قرار بوده بسیاری از موارد درباره مفسدان اقتصادی را با خود به «گور» ببرد اما خبرا برای گفتن برخی از آنها مصمم شده و اگر بیرون مردم به این گفته‌های رییس دولت اطمینان خواهند کرد.

بهمن شریف‌زاده در گفت‌وگو با «شرق»:

احمدی‌نژاد گفت معاونم را نمی‌توانید برای بازجویی ببرید

فضیه کیش و تحصیل فرزند ایشان، بیشتر بحث من درباره آقای رحیمی است‌البته.

رحیمی رحیمی زیاد گفتند.

و درباره پرونده آریا که می‌گویند آقای مشایی هم با آنها ارتباط داشته.

درباره آقای مشایی می‌دانید که باعث بهتان زده‌اند. سه سال است به گونه‌های مختلف، اتهاماتی بر روی دوش ایشان گذارده شده است. از رمالی، سحرکردن، جن‌گیری، جادو تا بی‌اخلاقیت بودن، بولاریت بودن، سکولار بودن، فراماسون بودن، نئوسیالیست بودن. اما اینها برای تجرت است و این مشکلات را ندارد و من عذر می‌خواهم این‌طور می‌گویم. گفتند مشکل اصلی ایشان امنیتی است و ایشان را به جاسوسی و ارتباط با اسراییل متهم کردند، بعد از این هم گذشتند و گفتند قلبا ایشان نیست، بعد گفتند ایشان مشکلش اقتصادی است، یعنی آخرین پرده اتهامات، اتهامات اقتصادی به آقای مشایی بود که آن در عرض شش ماه بود و هیچ چیز هم اثبات نشد! اتهامی که به فرزندان آقای هاشمی می‌زدند چندین ساله بود اما اتهام اقتصادی به آقای مشایی در سال ۹۱ مطرح شد و بعد از اثبات نشدن قبلی‌ها از اول اسمشد یک جوری کلیدا.

در همان جلسه استیضاح وزیر کار، این بحث مطرح شد که آقای احمدی‌نژاد می‌گذارند به پرونده‌تر نوبه‌کاشتان رسیدگی شود.

آقای رحیمی را می‌گوید؟

بله!

آقای احمدی‌نژاد با هفت و من از دهان خود ایشان شنیدم که گفتند اگر توانستید یک رمال فساد اقتصادی از آقای رحیمی کشف کنید، بیایید و ایشان را بازداشت کنید. آقای رحیمی که اما بگارید ایشان را بسرم‌به از اتهامات زیاد اتفاقات زیاد افتاده است. البته نمی‌خواهم که بگویم آقای احمدی‌نژاد قصد افشای این مفسدان را داشت که با «استدعای» برخی از اعلام عمومی این مفسدان منصرف شد. البته مدیر گروه مطالعات دینی مرکز ملی جهانی شدن، اعلام برخی از موارد که احمدی‌نژاد مدعی شده بود این افراد مفسد اقتصادی هستند را به نوعی از سرتاچاری و به دنبال تعلل سایر قوا در رسیدگی به پرونده این فسادها می‌داند. شریف‌زاده همچنین به دفاع از پافشاری احمدی‌نژاد بر جلوگیری از بازداشت معاون اول رییس‌جمهور در جریان رسیدگی به برخی اتهامات اقتصادی می‌پردازد و بر پاکی حلقه اطراف احمدی‌نژاد و مشایی تاکید می‌کند. او می‌گوید احمدی‌نژاد قرار بوده بسیاری از موارد درباره مفسدان اقتصادی را با خود به «گور» ببرد اما خبرا برای گفتن برخی از آنها مصمم شده و اگر بیرون مردم به این گفته‌های رییس دولت اطمینان خواهند کرد.

عکس‌ها: آیدین زرین‌هنر، شرق

اگر توجه کنید می‌بینید که خانواده هاشمی از سال ۷۶ در قدرت اجرایی نیست. آقای هاشمی مدتی رییس‌مجلس بودند، بعد هشت‌سال رییس‌جمهور و از سال ۷۶ هم که رییس‌مجمع تشخیص مصلحت نظام شدند، دیگر کاری دستشان نبود و ما هم کاری دستمان نبوده

یک چیزهایی دیده بودم، حالا فرزندان آقای هاشمی را کار ندارم، کلا از همین قبیل مفاسد را دیدم، بله دیدم، اما نام‌نمی‌برم که کجا دیدم و از چه کسانی دیدم. اما می‌دانم این وظیفه من نیست. آقای احمدی‌نژاد که این موضوع را گفت، گویی عقده گشایی شد.

نکته آخر اینکه به هر حال عمر دولت در حال اتمام است و در هفته‌های اخیر آقای احمدی‌نژاد می‌گوید مسایلی را می‌خواهم بگویم اما نمی‌گذارند...

بعد از هشت سال مردم حرف‌های ایشان را در این زمینه قبول دارند؟

بله، چون من می‌دانم حرف‌ها حرف‌هایی است که وقتی گفته شود خیلی چیزها روشن خواهد شد، خیلی چیزها یعنی کلا تطابق دارد با واقعیت و مردم خوب می‌توانند این را درک کنند. چون خیلی شفاف است. حرف‌های آقای احمدی‌نژاد معمولا موثر است. یکی از دلایلش این است که وقتی ایشان بازگو می‌کند، می‌بینند که منطبق با واقعیت است، چون می‌گوید به این دلیل و این دلیل، این جریان است و ایشان نکته بسیار زیادی دارد.

همه را خواهد گفت؟

اسم رمالی ایشان گفتند برخی از این نکات را من به گور می‌برم و نمی‌توانم بگویم چون به صلاح نظام نیست که برخی از این موارد گفته شود اما میدوارم بگویم بخشی از آنها را بتوانم بگویم. اخیرا دیدم که در گفتن مسمم شده‌اند و اگر بگویند مردم کاملا می‌پذیرند.

و این گفتن‌ها در انتخابات و رای مردم تاثیر می‌گذارد؟

من اصلا به انتخابات کار ندارم. چون ایشان در این ماه‌های اخیر خیلی لطمه دید. خیلی طرح‌ها جلو نرفت. منلا ایشان ساعد هفدهمندی یارانه‌ها را می‌خواست پیش ببرد، رهبری تاکید کرده بودند که برای فاز دوم، برنامه ریخته شود. خیلی مقابله شد و جلو نرفت. با اینکه ایشان اعلام کرد که دولت توانایی این را دارد که به مردم اینقدر پول در ماه پرداخت کند و در این فشارهای اقتصادی که عامل اصلی آن تحریم بوده است، این تزریق، در حکم آرامبخش و مسکنی بود اما این مسکن تزریق نشد. به هر حال فشار تحریم‌ها فراتر از اداره پیدا می‌کند چون همان‌طور که به ما فشار می‌آید به آنها هم فشار می‌آید وقتی از ما نفت نمی‌خرند و ما کار نمی‌کنند، قیمت‌های خود آنها هم بالا می‌رود اما چون به صورت واحد عمل می‌کنند و ما تنها هستیم طبیعتا فشارها روی ما چندبرابر می‌شود. آقای احمدی‌نژاد می‌خواستند با یکسری تزریق مسکن این درد را کنیم، چون این دوره را کنید دیگر مشکلی برای اقتصاد کشور پیش نمی‌آید، اما عده‌ای نگذاشتند. من با گوش خودم شنیدم که برخی آقایان با این مضمون گفتند. رهبری فرمودند که مسافه فاز دوم به یک صورتی معتدل اجرا شود ولی شد دیگر.

به هر حال دوره آقای احمدی‌نژاد تمام خواهد شد اگر یکی از یاران ایشان رای بیاورد، کدام یک از این هم با شباختی که از ایشان دارید، باز هم این راه را ادامه می‌دهند که بخواهند دنبال فشای مفسدان و... باشند؟

ایشان که هیچ وقت دست از تفکرش بر نمی‌دارد چون به این تفکر ایمان دارد. حامیان آقای احمدی‌نژاد هم گروه‌های مختلفی هستند اما گروهی از آنها واقعا معتقد و باورمند هستند و اینها قطعا این باور و تفکر را ادامه می‌دهند، اینه به صورت یک جریان فکری درآمده و آن جریز که باید می‌شد، شده و یکی هم وکیه به وجود آمده است. این تفکر به صورت نسبی به وجود آمده اما قابل تعطیلی نیست. منلا می‌شی چند هفدهمندی را تعطیل کرد.و.

افشاگری مجلس نمی‌شود؟

افشاگری بستگی به مطالبه مردم دارد، مردم مطالبه کنند، منتها بدانند که باید از چه کسی مطالبه کنند؟ اگر مطالبه آنها جدی باشد به جواب خواهند رسید استقلاله.

**سال گذشته در مجموعه یک روز قرار داده می‌خواهید درباره یک زیرو داوری کنید و به این موضوع نتیجه اتفاق داشت. به حر حال این مساله پاسخ چهره دیگر دارد که باید قبل بررسی است. استیخاص‌کنندگان در مقام پاسخ گفتند. مقوله‌ای دیگر هم درباره آقای مرتضوی وجود دارد، یعنی آنچه که موجب شد مرتضوی خارج از عرض آقای مرتضوی وجود بحث بود، یکهویک نیست، بلکه بحث مالی است که از ایشان در تامین اجتماعی که حاصب اموال بسیاری است خواسته شده است. پس از انتشار آن فیلم در کمیسیون محلس، با آقای مطرح‌زاده برخوردی صورت گرفت و گفتند چرا موضوعی که ثابت نشده مطرح شده است؟ درحالی که همین مساله درباره مرتضوی هم مطرح بود. خوب چرم ایشان هم هنوز ثابت نشده اما بر آن اساس، وزیری که خود مجلس می‌گفت برکار است را عزل کردند. دوباره آن تذکر به آقای احمدی‌نژاد شد چرم ایشان و بقیه آن ایشان چرم اسمی را مطرح نکنید. بناب